

کتابی مفهومی، ناتوان در انتقال مفاهیم

سحر ترهنده

در سال‌های اخیر، شاهد رشد روز افزون کتاب‌هایی هستیم که تصویری بسیار انتزاعی دارند، انتزاع‌هایی که ارتباطی با داستان، قدرت درک و نیاز مخاطبان خود ندارند. این آثار که ظاهراً برای کودک ایرانی خلق شده‌اند، نه تنها از نظر زیبایی‌شناسی دارای ارزش بالایی نیستند، بلکه حاصلی جز سردرگمی و کم کردن علاقه کودکان به کتاب نیز در پی ندارند. پرداختن به این امر که آیا تولید این کتاب‌ها، محصول سلاقی اساتید و آموخته‌های نسل جوان تصویرگری در مراکز دانشگاهی است یا حرکتی تحمیل شده از سوی ناشران و جشنواره‌های بین‌المللی تصویرگری، مقوله‌ای است که در مجالی دیگر به آن پرداخته خواهد شد. در این مقال، پس از ارائه تعریفی کوتاه برای کتاب تصویری، به گونه‌ای خاص از این کتاب‌ها که به **کتاب‌های مفهومی** مشهورند، خواهیم پرداخت. در ادامه، به نقد و بررسی تصاویر کتاب **سرعت یعنی چه؟** خواهیم پرداخت و استدلال خواهیم کرد که انتزاع‌های تصویری باید کاملاً حساب شده و بنا به نیاز متن باشد؛ امری که در این اثر رعایت نشده است.

بنا به گفته پری نودلن (۱۹۸۸): «کتاب‌های تصویری کتاب‌هایی هستند که برای کودکان در سنین کم تهیه می‌شوند. این کتاب‌ها از راه مجموعه‌ی زیادی از تصاویر، همراه با متنی کمابیش اندک (و یا اصولاً بدون متن) اطلاعاتی را منتقل یا داستانی را بازگو می‌کنند». در این کتاب‌ها هر قدر که تصویرگر در انتخاب فرم‌ها، رنگ‌ها و اندازه‌های مورد استفاده خود بیشتر دقت و آگاهی داشته باشد، خواننده به همان میزان داستان را ساده‌تر و دقیق‌تر درک خواهد کرد. استفاده دقیق و درست از این عناصر بصری، می‌تواند باعث شود که خواننده از سطح ابتدایی کلمات عبور کند و وارد لایه‌های زیرین و عمیق‌تر یک متن گردد و این دقیقاً همان تجربه ناب و منحصر به فردی است که یک کتاب موفق تصویری می‌تواند در خواننده ایجاد کند. زنا ساترلند و بتسی هرن (۱۹۸۴) [به نقل از کتاب شناخت ادبیات کودکان از روزن چشم کودک، ص ۱۸۶]، تأکید می‌کنند که در کتاب‌های تصویری، تصاویر به اندازه‌ی متن یا حتی بیش از آن اهمیت دارند. برخی کتاب‌های تصویری بدون داشتن هیچ کلامی، گیرا و اثر بخش هستند؛ چون کودکان به داستان‌هایی که به شکل دیداری ارائه می‌شوند، به همان میزان که به شکل شفاهی بازگو می‌شوند، واکنش نشان می‌دهند. در بسیاری از کتاب‌های تصویری، میان متن و تصویر توازنی برقرار است که هریک بدون دیگری ناقص خواهد بود. از آن‌جا که متن و تصویر در کتاب‌های تصویری مکمل یکدیگرند، در ارزیابی کتاب‌های تصویری باید رابطه‌ی میان واژگان و تصویرها بررسی شود. در ادامه، بتسی هرن به منتقدان یا بررسان توصیه می‌کند که «پپچیدگی را با شلوغی، خلاقیت را با پیش‌پا افتادگی، زیبایی را با لوس بازی، استحکام را با خشکی و بی‌روحي و ژرف‌نگری را با تزئینی تفاوت بگذارید. به چیزی بیندیشید که دوست دارید بر دیوار ذهن خود بیاویزید».

کتاب‌های تصویری طیف گسترده و گونه‌های بسیاری دارند. از گونه‌های آن می‌توان به **کتاب‌های اسباب بازی**، **البا آموزها**، **عدد آموزها**، **کتاب‌های مفهومی** و **کتاب‌های تصویری بدون کلام** اشاره کرد. این کتاب‌ها با مجموعه‌ای از تصاویر و شگردهای آموزشی خلاق و جذاب، باعث برانگیخته شدن سواد دیداری و کلامی در کودکان می‌شوند.

همان‌گونه که اشاره شد، یکی از گونه‌های بسیار متنوع و کاربردی کتاب‌های تصویری، کتاب‌های تصویری / مفهومی هستند. کتاب مفهومی به صورت کلی معرف و تقویت‌کننده یک ایده یا یک مفهوم خاص است. آن‌گونه که بررسی‌ها نشان می‌دهند، تعریف ثابت و جامعی برای کتاب‌های تصویری / مفهومی وجود ندارد، اما در میان نویسندگان و محققان حوزه ادبیات کودک، بر ضرورت خلق کتاب‌هایی که به وسیله متن و تصویر، مفاهیمی خاص را به کودکان انتقال دهند، اتفاق نظر وجود



عنوان کتاب: **سرعت یعنی چه؟**
 نویسنده: **کامییز کاکاوند**
 تصویرگر: **رضا یوسف زاده**
 ناشر: **شباویز**
 نوبت چاپ: **اول ۱۳۸۵**
 شمارگان: **۲۲۰۰ نسخه**
 تعداد صفحات: **۲۴ صفحه**
 بها: **۱۷۰۰ تومان**

آیا تولید این کتاب‌ها، محصول سلايق اساتيد و آموخته‌های نسل جوان تصويرگرى در مراکز دانشگاهى است يا حرکتى تحمیل شده از سوى ناشران و جشنواره‌های بين‌المللى تصويرگرى؟



حلزون کجا بود؟ در جنگل، روی یک شاخه‌ی درخت بود. او داشت راه می‌رفت، پویش... پویش... پویش...
دو تا گنجشک هم روی درخت بودند. گنجشکها داشتند جیک جیک می‌کردند.



یک کفچه یک آهو از لایه‌ای درختها دوید. گنجشکها گفتند:
عصب سرخشی!
حلزون از خودش پرسید:
سرعت یعنی چه؟
اما حلزون جوابه این سوگال را بلد نبود.
حلزون پویش... پویش... پویش... پویش... پویش... پویش...
از گنجشکها پرسید:
سرعت یعنی چه؟

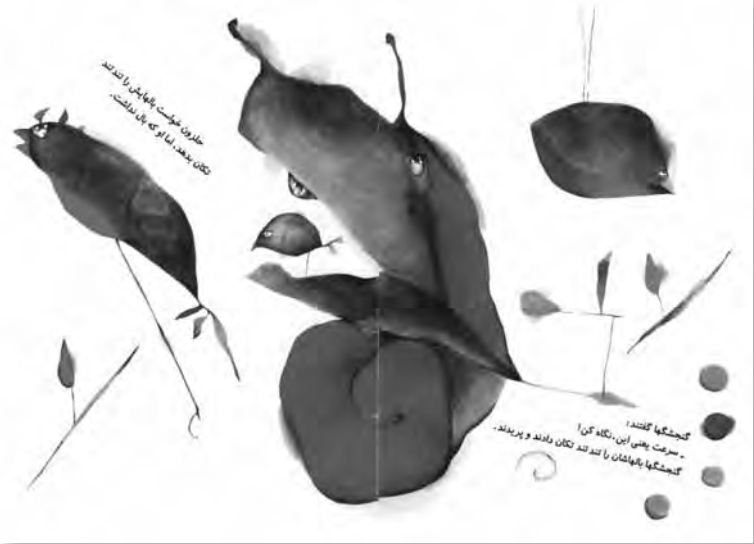
دارد. این گونه خاص از کتاب‌های تصویری، خود دارای طیفی وسیع است. بسیاری از کتاب‌هایی که برای رشد شناختی کودکان پیشنهاد می‌شوند، کتاب‌های مفهومی هستند. این کتاب‌ها با تکیه بر تصویر، کودکان را در درک مفاهیم کمک می‌کنند و به همین سبب، بنا به نیاز و توانایی گروه‌های سنی متفاوت خلق می‌شوند و دارای درجه‌های مختلفی از دشواری و آسانی هستند. این دسته آثار می‌توانند مفاهیم ساده‌ای چون رنگ، فرم یا تضاد را انتقال دهند. هم‌چنین، می‌توانند مفاهیم پیچیده‌تری چون فصل‌های سال، گیاهان، حیوانات و چرخه حیات را نشان بدهند یا آن‌که مفاهیم مجردتری را که درک آن برای کودکان دشوارتر است، دستمایه کار قرار دهند، مفاهیمی چون حرکت، سرعت و تغییر.

کتاب‌های مفهومی ویژه کودکان، امکان ایجاد گفت‌وگویی ساده میان نویسندگان و مخاطبان را ایجاد می‌کنند. این کتاب‌ها عموماً در مورد زندگی پیرامون و

تجربیات واقعی کودکان هستند و با پرورش قدرت درک مفاهیم مجرد در کودکان، به رشد عقلانی آنان یاری می‌رسانند. کتاب‌هایی که با روش‌هایی جذاب و لذت بخش، موضوعات متفاوتی را بررسی می‌کنند و به نمایش می‌گذارند. بسیاری از کتاب‌های مفهومی، موضوعاتی داستانی ندارند و فقط می‌کوشند مفهومی را به روش‌های ساده و متفاوت به کودکان ارائه دهند. در این گونه کتاب‌ها که صرفاً جنبه آموزشی می‌یابند، لزومی ندارد که کودک کتاب را از ابتدا تا به انتها بخواند، بلکه می‌تواند بنا به نیاز از بخش‌های خاصی از کتاب استفاده کند. از این دسته کتاب‌ها می‌توان به گونه کتاب‌های **اشاره کن و نام ببر**، اشاره کرد. در این دسته از کتاب‌ها که مناسب گروه‌های سنی بسیار پایین است، عموماً مفهوم یا مجموعه‌ای از مفاهیم (حیوانات، اشیا و...) به همراه عکس یا تصویری واقع‌گرا و به صورت تک کلمه آورده می‌شود تا به کودکان در یادگیری نام عناصر پیرامون‌شان کمک کند. در واقع، هزاران کتاب مفهومی وجود دارد که طرح یا پی‌رنگ داستانی ندارند، اما در مقایسه تعداد زیادی کتاب مفهومی نیز وجود دارد که مفاهیم را در قالب بُن‌مایه‌های داستانی زیبا و جذاب بازگو می‌کنند و به همین دلیل، به صورت جهانی مورد توجه و علاقه هستند؛ کتاب‌هایی چون کرم ابریشم بسیار گرسنه اثر، اریک کارل، آبی کوچولو و زرد کوچولو، اثر لئو لیونی و کتاب‌های دیگری از این دست.

نکته دیگری که گفتنی است، مسئله گروه سنی مخاطبان و ویژگی‌های رشدی و شناختی آنان است؛ امری که به شکلی چشم‌گیر در سال‌های اخیر، از سوی ناشران و تصویرگران ایرانی نادیده گرفته می‌شود. طبق تحقیقات انجام شده، رشد کودک در

**تصاویر باید در ارتباط با
سفارش حرکت کنند و
فضاسازی‌ها و شخصیت‌پردازی‌هایی
منطبق با آن به وجود آورند.
مثلاً در مورد داستان،
باعث گسترش پی‌رنگ
داستانی شوند و در عین حال که
متن را تقویت می‌کنند،
جان تازه‌ای نیز به آن
بخشند**



مراحل مختلف در چهار جهت زبانی، شناختی، شخصیتی و اجتماعی صورت می‌گیرد. اگرچه اکثر کودکان این مراحل را طی می‌کنند، سرعت این رشد و تکامل در آن‌ها متفاوت است. هر گروه سنی خاص، ویژگی‌های رشدی خاصی دارد و شناخت این ویژگی‌های رشدی در گروه‌های سنی مختلف، می‌تواند به تولیدکنندگان کتاب کودک اعم از نویسنده، تصویرگر و ناشر امکان خلق کتاب‌های مناسب را برای هر گروه بدهد. کتاب‌هایی که با توجه به این ویژگی‌ها تهیه شوند، به پیشرفت کودکان از یک مرحله رشد به مرحله دیگر باری می‌رسانند. ژان پیازوه و اینهلدر (۱۹۶۹)، [به نقل از پایان نامه فوق لیسانس زهره قایینی] اظهار می‌دارند که روند بلوغ فکری در همه کودکان یکسان است؛ گرچه ممکن است از کودکی به کودک دیگر تفاوت‌هایی دیده شود. برای رشد شناختی کودکان باید محرک وجود داشته باشد. کودکانی که بدون بهره‌مندی از تجارب مختلف بزرگ شوند، ممکن است ۳ تا ۵ سال عقب‌تر از سایر کودکان باشند. بهترین محرک برای رشد شناختی کودکان، انواع کتاب‌های تصویری و مصور مناسب است.



حال، با در نظر گرفتن تعاریف و مطالب فوق، به بررسی کتاب «سرعت یعنی چه؟» می‌پردازیم. این کتاب، داستان خلزون کوچکی را باز می‌گوید که بسیار کند حرکت می‌کند. روزی آهوپی به تندی از کنارش عبور می‌کند و گنجشکانی که در آن نزدیکی هستند می‌گویند: عجب سرعتی! خلزون از خودش می‌پرسد سرعت یعنی چه؟ و ماجراهای کتاب آغاز می‌گردد. او به آرامی پیش گنجشک‌ها می‌رود و از آن‌ها می‌پرسد سرعت یعنی چه؟ گنجشک‌ها در جواب می‌گویند: سرعت یعنی این و بال‌های‌شان را تند تند تکان می‌دهند. خلزون می‌خواهد بال‌های خود را تکان دهد، اما او بال ندارد. بنابراین، آرام آرام به حرکت خود ادامه می‌دهد و این بار از اسب معنای سرعت را جویا می‌شود و در جواب، دویدن اسب را می‌بیند. او هم تصمیم می‌گیرد بدود، اما او پا ندارد. خلزون این سؤال را از آفتاب‌پرست، روباه و خارپشت می‌پرسد و درمی‌یابد که از زبان آفتاب‌پرست و چالاکای روباه را ندارد. اما با دیدن گرد شدن و پایین رفتن خارپشت از یک تپه، خلزون هم داخل خانه‌اش می‌رود و از بالای تپه قل می‌خورد و بسیار تند به پایین تپه می‌رسد. او حالا می‌داند که سرعت یعنی چه. اما جوجه‌ای که همین سوال را از خلزون پرسیده است، هنوز نمی‌داند که سرعت یعنی چه، چرا که او روی پشتش خانه‌ای ندارد.

همان‌گونه که از این چکیده داستان بر می‌آید، نویسنده با ترفندی جذاب، مفاهیم متفاوتی را در کنار هم عنوان می‌دارد. این مفاهیم عبارتند از تضاد میان حرکت تند و کند، مفهوم سرعت و تفاوت‌های فیزیکی میان حیوانات و جانوران گوناگون. این مفاهیم به خوبی لایه لایه داستانی کوتاه و ساده جای گرفته‌اند و با پایانی جذاب و بدون نتیجه‌گیری مستقیم، درک مفهوم سرعت را

**انتزاع‌های بی حد و مرز در
کشیدن حیوانات و عناصر موجود
در تصاویر که در بخش‌هایی
یادآور نقاشی‌های خوان میرو است،
نه تنها تعریفی در متن کتاب ندارند،
بلکه بکارگیری این شیوه تصویرگری
در مورد این متن خاص،
صدمه‌های جدی به کتاب
زده است**



به عهده خوانندگان می‌گذارند. کتاب بر این نکته تأکید دارد که هر فردی خود باید برای درک بهتر این مفهوم، آن را با استفاده از توانمندی‌هایش تجربه کند.

اگر بپذیریم که تصویرگری در تعریف عام خود، به معنای وضوح بخشیدن، توضیح دادن، متمایز کردن، تسهیل کردن درک یک موضوع و ایجاد لذت بصری در مخاطب است، می‌توانیم به وضوح میان هنر تصویرگری و نقاشی تمایز قائل شویم. مهم‌ترین تعریف تصویرگری ابلاغ پیام، مفهوم و یا ایده‌ای مشخص است که به وسیلهٔ عاملی بیرونی (ناشر، نویسنده، مجموعه‌های فرهنگی و نمایشگاهی و یا یک متن خاص) به تصویرگر سفارش داده می‌شود. در این مفهوم، خلاقیت و نوآوری پس از دریافت سفارش و منطبق با آن شکل می‌گیرد. این به آن معناست که تصاویر باید در ارتباط با سفارش حرکت کنند و فضاسازی‌ها و شخصیت‌پردازی‌هایی منطبق با آن به وجود آورند. مثلاً در مورد داستان، باعث گسترش پی‌رنگ داستانی شوند و در عین حال که متن را تقویت می‌کنند،

جان تازه‌ای نیز به آن ببخشند. این ملاک‌ها برای کتاب‌های تصویری / مفهومی نیز وجود دارند و همراه با ملاک‌های دیگری چون ایجاد سهولت در درک مفهوم مورد نظر به وسیله تصاویر و همچنین اهمیت درستی و صحت تصاویر در انتقال مفاهیم، مشخصات یک تصویرگری مطلوب را نشان می‌دهند. با در نظر گرفتن این تعاریف، می‌توان به ضعف‌های متعددی در تصاویر کتاب مورد بحث پرداخت.

اولین نکته‌ای که در مورد با تصاویر کتاب می‌توان عنوان کرد، ضعف تصویرگر در ایجاد ارتباط میان متن و تصاویر است. مهم‌ترین عامل این اشکال را می‌توان به انتزاع موجود در تصاویر نسبت داد. انتزاع‌های بی حد و مرز در کشیدن حیوانات و عناصر موجود در تصاویر که در بخش‌هایی یادآور نقاشی‌های خوان میرو است، نه تنها تعریفی در متن کتاب ندارند، بلکه بکارگیری این شیوه تصویرگری در مورد این متن خاص، صدمه‌های جدی به کتاب زده است. همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، داستان کتاب تأکید بسیاری بر تفاوت‌های فیزیکی موجود میان شخصیت‌ها دارد. چرا که این تفاوت در اندام‌ها علت اصلی اختلاف سرعت در حرکت حیوانات است. در متن به طور خاص به بال گنجشک، پای اسب، زبان آفتاب پرست و فرم بدن خارپشت اشاره می‌شود. حال آن که در تصاویر، هیچ یک از این تأکیدها به درستی نشان داده نمی‌شود. گنجشکان تصویر بالی ندارند تا تکان بدهند، آهوی تصویر موجودی ماهی وار و شادخار است و تصویر اسب به قدری سنگین و عجیب در میان صفحه قرار گرفته است که امکان تخلیل حرکتی سریع را با آن پاهای نحیف، زیر جثه‌ای هیولوار، به مخاطب نمی‌دهد. تصویر خارپشت به هر حیوانی می‌تواند شبیه باشد مگر خارپشت؛ چرا که در این جا با حیوانی روبه‌رو هستیم با پاهایی کشیده و بلند که با شادی مشغول دویدن است!

**با در نظر گرفتن تقابل تصاویر
با ویژگی‌ها و خصوصیات
شناختی گروه‌های سنی مخاطب،
می‌توان عنوان کرد تصویرگر
در به تصویر کشیدن این متن،
اصولاً توجهی به مخاطبان کتاب
نداشته است**



حارون گفت:
- سرعت یعنی این، نگاه کن!
حارون توی خانه‌اش رفت بعد از
بمالی تپه قل خورد. حارون خیلی تند
پایین تپه رسید. حارون حالا می‌داند
که سرعت یعنی چه.

در واقع، مهم‌ترین مشکل آن است که تشخیص حیوانات برای مخاطبان، به ویژه گروه سنی «الف» در خوش‌بینانه‌ترین حالت بسیار مشکل [اگر نگوییم ناممکن] است. اشاره شد که یکی از وظایف تصویر، سوای ایجاد لذت بصری، کمک به گسترش پی‌رنگ داستان و هم‌چنین تسهیل فهم متن اثر است. این در حالی است که تصاویر این کتاب، دقیقاً بالعکس عمل می‌کنند و بیشتر باعث سردرگمی بیننده می‌شوند. در این‌جا موجوداتی عجیب‌الخلقه، رنگ‌هایی پراکنده و چشم‌هایی بی‌حالت که بی‌هدف تکرار می‌شوند، هیچ یک تأکید‌های موجود در متن را به نمایش نمی‌گذارند و نقاط اوج و فرود داستان را نشان نمی‌دهند. در تصاویر به سبب آشفتگی در ترکیب‌بندی و دفرماسیون‌های غیر اصولی، تفاوتی میان حرکت آهسته حلزون و حرکت تند سایر حیوانات دیده نمی‌شود. تصاویر بیشتر لکه‌های رنگین چشم‌دار و موجوداتی چندگانه هستند که بیننده باید از نهایت دقت و قوه تخیل خود استفاده کند تا بتواند حیوانی را در تصویرها به موجود مورد اشاره در متن نسبت دهد. تصاویر کتاب، بیشتر هنرنمایی‌های شخصی تصویرگری‌اند که چندان وقعی به داستان نگذاشته است.



اما، جوجه‌ی کوچولو که نمی‌دانست،
جوجه‌ی کوچولو که روی پشتش خانه نداشت،
جوجه‌ی کوچولو بی‌پاش... بی‌پاش...
بی‌پاش... رفت.

همان‌گونه که در مبحث گروه سنی اشاره شد، گروه‌های سنی متفاوت دارای ویژگی‌های رشدی و شناختی متفاوتی هستند. در این کتاب، گروه سنی مخاطب «الف» و «ب» تعیین شده است که بنا به تعریف کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سال‌های پیش از دبستان و اوایل دبستان را در بر می‌گیرد. این دو گروه دارای ویژگی‌های رشدی و ادراکی متفاوتی هستند؛ چراکه میزان درک تصاویر انتزاعی در سنین مختلف دارای تفاوت است. کودکان در گروه‌های سنی پایین‌تر نیاز دارند تا برای درک و آشنایی با دنیای پیرامون‌شان، عناصر و اشکال را به صورت طبیعی و موجود در دنیای واقعی ببینند، در حالی که کودکان در سنین بالاتر، زمانی که رشد بصری مناسبی یافتند، کم‌کم قدرت درک تصاویر انتزاعی را نیز می‌یابند. این که گروه‌های سنی با چه معیاری تعیین می‌شوند، موضوع پژوهشی مستقل است که از حوصله این بحث خارج است، اما تأکید روی اهمیت و صحت این انتخاب‌ها بسیار ضروری به نظر می‌رسد. با در نظر گرفتن تقابل تصاویر با ویژگی‌ها و خصوصیات شناختی گروه‌های سنی مخاطب، می‌توان عنوان کرد تصویرگر در به تصویر کشیدن این متن، اصولاً توجهی به مخاطبین کتاب نداشته است.

اما مهم‌ترین نکته قابل ذکر در مورد تصاویر این اثر، بی‌توجهی تصویرگر به مفاهیم موجود در متن و مفهومی بودن کتاب است. عموماً اولین قدم در تصویرگری، مطالعه متن و دریافت مفاهیم و یا پی‌رنگ داستانی موجود در آن است و آن‌گاه قدم بعدی، انتخاب شیوه و سبکی از تصویرگری است که از نظر بصری با متن همخوانی معنایی داشته باشد. همان‌گونه که در تعاریف کتاب‌های تصویری - مفهومی اشاره شد، در این گونه کتاب‌ها تصویرگر به وسیله مجموعه‌ای از عناصر بصری چون رنگ، خط، بافت، فرم و غیره تصویری خلق می‌کند که مفهوم یا مجموعه‌ای از مفاهیم را به همراه داستان به مخاطبان کودک و نوجوان

انتقال دهد. حال آن که با قطعیت می‌توان گفت که تصاویر این کتاب، هیچ یک از مفاهیم موجود در متن را انتقال نمی‌دهند. از بحث آموزش دادن شکل درست حیوانات و تفاوت‌های‌شان گرفته تا مفهوم تضاد میان کندی و تندى و هم چنین مفهوم سرعت، هیچ یک به وسیله تصاویر انتقال نمی‌یابند و این عدم هماهنگی باعث می‌گردد متن کتاب که به تنهایی می‌توانست اثر گذار تر باشد، کارایی خود را از دست بدهد.

زمانی که مفهوم «تفاوت» مطرح می‌شود، تصویرگر باید روی تفاوت‌ها تاکید کند تا درک آن برای کودک امکان پذیر باشد و یا آن که به وسیله ترندهایی بصری می‌باید حسی از کندی حرکت حلزون و تندى حرکت سایر حیوانات را ایجاد کند و سرانجام با مجموعه‌ای از ترکیب‌بندی‌های مناسب، مفهوم سرعت را به مخاطب انتقال دهد. متأسفانه در تصاویر این کتاب، نه تنها جای تمامی این مفاهیم خالی است بلکه تصاویر اطلاعات نادرستی نیز به مخاطب می‌دهند. این تصاویر از مفهوم و تعریف تصویرگری بسیار فاصله دارند و چنان از متن و مخاطب دورند که بیش از هر چیز دیگری در حکم نقاشی‌هایی شخصی‌اند. ممکن است برخی تصاویر کتاب به صورت مستقل جذاب باشند، اما فاقد کارکرد تصویرگری‌اند و این در حالی است که همان گونه که ذکر شد تصویرگری گونه‌ای از نقاشی نیست و تصویرگران امکانات و خود مختاری‌های نقاشان را ندارند. آزادی عمل یک تصویرگر در مسیر تولید تصاویر یک کتاب، بسیار محدودتر از آزادی‌های یک نقاش در مسیر خلق یک تابلوی نقاشی است. وظایف و شیوه کار تصویرگر نسبت به متن مشخص می‌شود. داستان غالباً به دلیل توصیف‌های موجود در آن فضای کاری تصویرگران را نه تنها مشخص می‌کند، بلکه آن را محدود هم می‌سازد. برای مثال، زمانی که در متنی نویسنده به گنجشک اشاره می‌کند، تصویرگر نمی‌تواند به انتخاب خود طرحی از عقاب ارائه دهد.

در انتها جا دارد که به یکی از مشکلات و ایرادهای موجود در داورى‌ها و انتخاب‌های جشنواره‌های جهانی تصویرگری چون نوما، بلونیا، بلگراد و غیره بپردازیم. در این جشنواره‌ها به دلیل ازدیاد آثار و کمبود زمان داورى، داوران فرصت مطالعه کل کتاب را نمی‌یابند و تنها به دیدن خلاصه‌ای، آن هم بعضاً با ترجمه‌ای نه چندان روشن، بسنده می‌کنند. به همین دلیل، درباره ارتباط متن و تصاویر نمی‌توانند به درستی قضاوت کنند. هم‌چنین، در زمان قضاوت اصولاً اطلاعی از گروه سنی مخاطبان وجود ندارد و داوران تنها تصاویر را بر مبنای ویژگی‌های ظاهری‌شان قضاوت می‌کنند. شاید به همین دلیل است که کتاب حاضر نیز با وجود تمام اشکالات و ناکارآمدی‌هایش در ایجاد ارتباط با مخاطب بومی خود، قلم زرین بلگراد را دریافت کرده است. امری که متأسفانه در سال‌های اخیر، نقشی مخرب بر تصویرگری ایران داشته است. چرا که هدف اصلی تصویرگران در خلق تصاویر، ارتقای ادبیات کودک و نوجوان ایران و یا ایجاد ارتباط با مخاطبین واقعی این آثار نیست، هدف در بسیاری موارد، جلب نظر داوران جهانی است. در این میان، این کودکانند که روز به روز از لذت کتاب خوانی و دیدن تصاویری شایسته و خلاق محروم می‌شوند.

پی‌نوشت:

1. Concept Books
2. Toy Books
3. Alphabet Books
4. Counting Books
5. Wordless Books
6. Point and Say Books

۷- **کرم ابریشم بسیار گرسنه**، نویسنده و تصویرگر: اریک کارل؛ مترجم: کتابون صدرنیا. - تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.
۸- **آبی کوچولو و زرد کوچولو**، نویسنده و تصویرگر: لئولینی؛ مترجم: طاهره آدینه پور. - تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.

منابع:

Nodelman, P. (1988) Words About Pictures, *The Narrative Art of Children's Picture Books*, The University of Georgia Press.

Schwarz, J.H. (1975) Ways of Illustrator, *Visual Communication in Children's Literature*.

شناخت ادبیات کودکان: گونه‌ها و کاربردها از روزن چشم کودک، نوشته دونا نورتون، ساندرا نورتون؛ ترجمه منصوره راعی... [و دیگران]؛ تهیه شده در موسسه فرهنگی هنری خانه ترجمه کودکان و نوجوانان، تهران، قلمرو، ۱۳۸۲

قایینی، زهره؛ **واکنش کودکان ۴-۶ ساله نسبت به کتاب‌های تصویری**، پایان نامه فوق لیسانس کتابداری و اطلاع رسانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی ۱۳۷۶